

نقش تمدن‌ساز تشیع در گستره تاریخ*

□ حبیب الله صالحی (روحانی) *

چکیده

تبیین مفاهیم اعم از لغوی و اصطلاحی و نیز نگاه گذرا به مؤلفه‌های تمدن اسلامی در گستره تاریخ مورد اهتمام تحقیق حاضر است. پویایی ماهیت اسلام، تجربه حاکمیت دینی عصر نبوی، شکل‌گیری تمدن عظیم اسلامی در مدینه النبی ﷺ آرمان‌گرایی و قانون‌مندی تمدن اسلامی، احساس ارزشمند به آموزه‌های اسلام و ارزش‌های دینی از موضوعاتی است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، بازگشت حقیقی به قرآن و اقتدا به سیره رسول الله ﷺ و ائمه اطهار، الهام‌بخش شیعیان در احیای تمدن اسلامی بوده است. نقش مؤثری شیعیان در گسترش تمدن اسلامی به خصوص در زمینه توسعه علوم و معارف اسلامی از مباحث است که با عنایت به حجم و ظرفیت مقاله به صورت نسبتاً مفصل به آن پرداخته شده، تمدن اسلامی در حقیقت، تمدنی که تجلی خلاقیت، عقلانیت و معنویت، ارزش و معرفت، اخلاق و قدرت، تعالی و قداست است. **کلیدواژه‌ها:** تمدن اسلامی، نقش شیعیان، مؤلفه‌های تمدن اسلامی، نقش اهل بیت.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۳/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۵/۲۰.

** دانش آموخته سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه (rohani1392@yahoo.com).

مقدمه

در نگاهی کوتاه به تاریخ تمدن اسلامی در می‌یابیم که اسلام، موجودیت خود را با دعوت آغاز نمود؛ دعوت از مردم به ایمان و رستگاری، دعوتی که مکان اعلام آن شهر مقدس مکه بود. اگر امر دعوت را مرحله نخست از شکل‌گیری تمدن اسلامی برشماریم، مرحله بعدی از زمان هجرت پیامبر (ﷺ) به یثرب و تشکیل حکومت اسلامی در آن شهر آغاز می‌شود. در این نخستین حاکمیت اسلامی، شاهد ظهور تمام ویژگی‌های لازم برای دست‌یابی به یک تمدن جهانی هستیم. تمدن اسلامی پس از تشکیل و تأسیس حکومت، قدم در مرحله‌ای نهاد که از آن به «دوره گسترش» تمدن اسلامی می‌شود.

دوره‌ای که اسلام نخست در حجاز و سپس فراتر از مرزهای حجاز تعمیم یافت و از محدوده جغرافیایی مکه و مدینه خارج شد. این دوره گسترش اسلام در پی وقایع سال‌های آخر هجرت و نبردهای تبوک و موته خود را نمایان ساخت. بدین معنا که انتشار اسلام از جزیره‌العرب فراتر رفت و به منطقه نفوذ یکی از تمدن‌های آن روز، یعنی تمدن روم شرقی وارد شد، همجواری اسلام با تمدن‌های بزرگ آن روزگار؛ یعنی روم، ایران و مصر، خواه ناخواه زمینه ارتباط مسلمانان با این حوزه‌های تمدنی را فراهم آورد. پیامبر اسلام (ﷺ) پس از تثبیت حاکمیت اسلام، که با صلح حدیبیه اتفاق افتاد، امکان ارتباط مسلمانان با حوزه‌های تمدنی یاد شده را فراهم ساخت. ارسال نامه برای فرمان‌روایان این حکومت‌ها اقدام عملی‌ای بود که پیامبر با انجام آن، تمدن نوپای اسلامی را به مرحله جدیدی وارد ساخت، همین ویژگی یعنی گسترش و انتشار تمدن اسلامی در زمان خلفای راشدین، عهد امویان و عباسیان نیز تداوم یافت، به طوری که در اواسط عهد عباسی، گستره تمدن اسلامی در سه قاره آسیا و آفریقا و اروپا ظاهر شد و زمینه دست‌یابی مسلمانان به علوم و دانش‌های پراکنده در شرق و غرب دنیای آن روزگار فراهم گردید.

پهنه دنیای اسلام در سوی شرق از منطقه ختا و ختن در چین امروزی تا منتهی‌الیه مغرب، آن روزگار، یعنی مغرب اسلامی امتداد می‌یافت. این گسترده‌گی در شمال، خط مستقیمی بود

که از شمال چین به سواحل شمالی بحر خزر وصل می‌شد و تا ارتفاعات پیرنه در جنوب فرانسه ادامه پیدا می‌کرد.

تعریف مفاهیم

۱. شیعه

شیعه اصطلاحاً به یاران و تابعان حضرت علی بن ابی‌طالب^۱ اطلاق می‌گردد که به نص جلی و خفی قائل به امامت بلافصل ایشان بعد از رحلت رسول اکرم^۲ می‌باشند. ابن خلدون می‌گوید: شیعه در اصطلاح فقیهان و متکلمان اسلام، بر پیروان علی بن ابی‌طالب و فرزندان او اطلاق می‌شود (رفیق، موسوعة مصطلحات ابن خلدون، بی‌تا: ۱، ۱۴۴).

۲. معنای لغوی تمدن

تمدن از نظر لغوی عبارت از شهرنشینی، اخلاق مردم شهر نشین را پذیرفتن، از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهرنشینی انتقال یافتن و به طور خلاصه روش‌ها و اسباب شهرنشینی را اختیار کردن است (خلیل، فرهنگ لاروس، بی‌تا: ۱۰، ۶۵۳).

در فرهنگ‌های عربی واژه تمدن به معنای حضاره (تمدن، شهرآئینی) نقطه مقابل بدایت، بادیه نشینی، به کار رفته است (مکی، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ۱۳۸۳: ۱۴). در فرهنگ‌های جدید، تحضر به تمدن و حاضره به شهر بزرگ اطلاق می‌شود (همان، ۱۵). واژه انگلیسی (Civilization) از ریشه (Civiliz) به معنای مدنیت و رهایی از وحشی‌گری، است (حییم، فرهنگ معاصر انگلیسی، فارسی، ۱، ۲۳۵: ۱۳۶۹). در ادبیات فارسی، تمدن به معنای همکاری افراد جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و انس گرفتن با آداب و اخلاق شهریان بکار می‌رود (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۷۵: ۱، ۱۱۳۹).

ابن خلدون، حالت اجتماعی شدن انسان را تمدن نامیده است (ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ۱۳۶۲: ص ۷۳). بعضی دیگر، گفته‌اند: تمدن مجموعه‌ای از عوامل معنوی و مادی

است که با ایجاد فرصت برای جامعه و ادغام عرصه‌های زندگی، زمینه همکاری لازم را در راستای رشد و توسعه اجتماعی، فراهم می‌سازد (ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ۱۳۸۰: ۱، ۲۹-۳۲). در نظر «ویل دورانت» تمدن عبارت از تجلی نظم اجتماعی و امکان پذیر ی خلاقیت فرهنگی است (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ۱۳۶۵: ۱، ۳). به اعتقاد «هنری توماس»، تمدن پدیده‌ای است به هم تنیده که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را شامل می‌شود. واژه تمدن بیانگر مراحل معین تحول اجتماعی (نبوی، جوامع تمدن ساز، پویایی و میرایی تمدن‌ها، ش ۷، ۱۳۷۳: ص ۱۶-۹). و ثمره نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است (منیر، موسوعه المورد، بی تا، بی جا، ۳، ۲۸).

در نگاه جامع، واژه تمدن، از ریشه «مدینه»، «مدن» و «مدنیت» به معنای خروج از بادیه نشینی و گام نهادن در راستای نهادینه شدن امور اجتماعی و عمران یافتن است. حاکمیت، نهادهای حکومتی، نظم پذیری، شهرنشینی، تعالی فضائل انسانی همانند علم و هنر، از علایم مدنیت اجتماعی و تعالی فرهنگی است.

۳. معنای اصطلاحی تمدن

گرچه مفهوم تمدن به طور عام از دیرباز وجود داشته و ابن خلدون با کلید واژه‌های «العمران» و «الحضارة» بدان پرداخته است (ابن خلدون، مقدمة ابن خلدون، بی تا: ۱، ۱۷۲). و لی واژه و مفهوم اصطلاحی تمدن به معنای امروزی از قرن ۱۸ مورخ معروف آرنولد توین بی معتقد است تمدن، حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است (همان، ۳، ۲۸).

میلادی براساس دیدگاه انسان محور در مغرب زمین شکل گرفته و دانشمندان علوم اجتماعی تعریف‌هایی متفاوت از آن ارائه کرده‌اند (ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ۱۳۸۲: ۱، ۲۵-۲۷). گروه زیادی آن را مترادف با فرهنگ یا شکلی پیشرفته تر از آن دانسته و برخی دیگر حوزه معنایی آن دو را از یکدیگر جدا کرده‌اند (توحید، الحضارة الغربية والحضارة الاسلاميه»، بی تا: ۱، ۱۴-۱۶). با وجود گوناگونی تعریف‌ها و دشواری ارائه

نقش تمدن‌ساز تشیع در گستره تاریخ ۵

تعریفی واحد از مفهوم تمدن، وجود سازمان و نظم اجتماعی و پیشرفت مادی و معنوی انسان، نقطه مشترک بسیاری از دیدگاه‌های دانشمندان علوم اجتماعی‌اند.

۴. مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی

مؤلفه‌های تمدن اسلامی به منزله ریشه یابی و بازیابی نخستین اندیشه‌های تمدن‌ساز اسلامی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۴,۱. دین‌مداری

هیچ فرهنگ و تمدنی را نمی‌توان یافت، مگر آنکه عنصر عقیده - حق یا باطل - در آن نقش دارد. (حجازی، نقش پیامبران در تمدن انسان، ۱۳۵۲: ۵۸). تمدن اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در اسلام، عقیده توحیدی سنگ بنای زندگی انسانی، تمدن و فرهنگ متعالی است. توحید باوری است که همواره در حال پویایی است. امیدواری، حرکت آفرینی، عزت و اعتلای اجتماعی (آل عمران: ۳۹). رستگاری دنیوی و اخروی ارمغان عقیده توحیدی به موحدان، است. چنان‌که، کفر ورزی، انکار آیات خدا (اعراف: ۹۶-۱۷۷-۱۷۴). و نافرمانی از دستورات حق (اعراف: ۷۲). عامل انحطاط جوامع و تمدن‌ها به شمار می‌روند.

۴,۲. امت‌سازی

با توجه به نقش جمعیت هم عقیده در ایجاد و اعتلای تمدن، پیامبر اکرم (پ) از همان آغاز، سازماندهی جمعیتی - هرچند کوچک - اعتقادی را در نظر داشت. طرح بیعت مسلمانان با پیامبر اکرم (پ) در قالب گروه‌های چند نفره (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۳۸۵ق: ۹۵-۹۸). و چند ده نفره در مکه (ابن اثیر، پیشین، ص ۹۸-۱۰۰). و پیمان بزرگ مدینه، در این راستا قابل ارزیابی است.

اندیشه امت خاستگاه قرآنی دارد (انبیاء: ۹۲. یونس: ۱۹. بقره: ۲۱۳). امت را جامعه معتقدان تشکیل می‌دهد نه مجمع شهروندان. در روان‌شناسی اسلامی، امت همیشه مفید

نوعی «هم ریشگی» بوده که نه با مکان و خون که با داشتن یک ریشه معنوی مشترک (عقیده) تأمین می‌گردد. آنچه امت را پدید می‌آورد، یک وضع سیاسی انسجام یافته نیست، بلکه اراده زندگی با هم است، آن هم اراده‌ای که در پرتو قواعد اخلاقی به ویژه آنچه که در قرآن به عنوان چارچوب روابط اجتماعی ترسیم گردیده پدید آمده است. توفیق پیامبر اکرم (ﷺ) در امت سازی از شگفتی‌های تاریخ است.

۴,۳. حکومت

اسلام دین حکومت و سیاست است. به همین دلیل، پیامبر اسلام (ﷺ) تأسیس حکومت - هرچند ابتدایی - را جزء اولویت‌های کاری خود قرار داد. مسجد پیامبر (ﷺ) با آن سادگی عجیب، پایگاه اصلی حکومت و کانون نظام اجرایی بود. (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۱۳۷۴: ۱۰، ۱۳). حتی نامه‌های تاریخی پیامبر به سران کشورهای بزرگ از مسجد ارسال گردید، این روش بعد از آن حضرت نیز ادامه یافت، مخصوصاً در دوران خلافت امام علی علیه السلام نظام سازی دقیق و تنظیمات گسترده‌تری به موازات پیشرفت اسلام، ایجاد شد که اصول آن در فرمان امام علی به مالک اشتر تبیین شده است (دشتی، ترجمه نهج البلاغه نامه ۵۳، فرمان امام علی به مالک اشتر، ۱۳۷۹: ص ۵۹۱-۵۶۴).

۴,۴. قانون‌مداری

قانون‌مداری مورد تأکید اسلام است. پیامبر اکرم (ﷺ) با درک عمیق از نقش قانون و قانون‌مداری در تمدن سازی، می‌فرمودند که: «اقوام و ملل پیشین که دچار سقوط و انقراض شدند، به آن سبب بود که در اجرای حدود الهی تبعیض روا داشتند، حدود را بر بینوایان جاری ساختند و توانمندان را به حال خود وانهادند» (نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۹ق: ۱۸، ۷). در رویکرد دینی، اجرای حدود الهی نسبت به افراد دور و نزدیک، و حکم بر طبق کتاب خدا در خشنودی و غضب و تقسیم عادلانه میان سیاه و سفید. عامل رستگاری دنیا و آخرت است (همان: ۷۲، ۳۴۹). حاکم اسلامی نیز موظف به اجرای دستورات خدا در جامعه است (مجلسی، بحارالانوار ۱۴۰۳ق: ۲۷، ۲۵۴).

۴,۵. امنیت

امنیت نخستین شرط زندگی اجتماعی است. کاربرد متعدد این واژه در قرآن کریم نشانگر اهمیت آن است (بقره: ۱۲۵. عنکبوت: ۶۷. آل عمران: ۱۵۴. قریش: ۳-۴). امنیت، اساس بهترین مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی (بقره: ۳۹). نخستین تقاضای ابراهیم خلیل μ هنگام بنای کعبه (ابراهیم: ۳۵). انگیزه ساخت سد معروف ذوالقرنین (کهف: ۹۲-۹۸). دلیل هجرت پیامبر اکرم ρ از مکه به یثرب، و یکی از اهداف حکومت اسلامی است (دستی، پیشین، ۲۴۸، خ ۱۳۱). در فقه اسلامی شدیدترین مجازات‌ها برای اخلاص گران امنیت اجتماعی اعتبار شده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۴، ۳۶۲-۳۵۸).

پیامبر اکرم ρ ، اقدامات متعددی در راستای تأمین امنیت انجام داد: انعقاد قرارداد صلح با همسایگان (سبحانی، فروغ ابدیت، ۱۳۶۳: ۲، ۱۹۵). امضای پیمان زندگی مسالمت‌آمیز با یهودیان مدینه، عقد برادری میان اوس و خزرج (الجوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ۱۴۱۴ق: ۳، ۶۳). پیمان همبستگی ملی مسلمانان (ابوداود، سنن ابی داود، بی تا: ۲، ۱۲۹). تلاش در راستای پیوند برادری میان مسلمانان، (حجرات: ۱۰) اهتمام به وحدت (آل عمران: ۱۰۳)، و هشدار نسبت به پیامدهای تفرقه (مجلسی، پیشین: ۲۷، ۶۷). از جمله آنهاست. در اثر اقدامات شایسته رسول اکرم ρ ، قبایل انحصارطلب به جامعه‌ای ایثارگر (حشر: ۹). مردمان بی‌فرهنگ به امت با فرهنگ (نساء: ۱۴۶-۱۷۵). دستانی متخاصم به ید واحد (آل عمران: ۱۰۳). و آسیب‌ناپذیر تبدیل گشت.

افزون بر مؤلفه‌های مشترک میان همه تمدن‌ها، تمدن اسلامی از ویژگی‌هایی همانند خدامحوری، حق‌مداری، عدالت‌گستری، حاکمیت اخلاق و کرامت انسانی و مانند آن، برخوردار است (سبحانی، پیشین سیمای فرزندگان، بی تا: ۱، ۳۷۶ - ۳۶۷). در مدنیت اسلامی و تمدن مورد نظر مسلمانان، «توحید»، تعالی انسان، احترام به مقدسات در درجه نخست قرار دارد. به تناسب تجلی روح توحید و ولایت در طراحی و بازسازی تمدن اسلامی، مفاهیم قدسی نیز حضور و ظهور می‌یابد. این مهم در معماری مساجد و شهرها، در هنر و

ادبیات، در همه ابعاد با نظامی خاص و مراتبی ویژه تجلی می‌یابد (نجفی، مراتب ظهور فلسفه سیایت در تمدن اسلامی، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۱).

نقش شیعه در گسترش تمدن اسلامی

شیعه در بنای تمدن عظیم اسلامی نقشی دارد که بیشتر در عرصه پایه‌گذاری علوم اسلامی است. از میان شیعه طلایه داران علوم لغت و دین‌پدید آمده است، مثل علوم تفسیر قرآن، علم حدیث، فقه، رجال. در زمینه علوم طبیعی مثل جغرافی، تاریخ، طب، شیمی، ریاضی، هندسه و... پیشگامانی از آنان درخشیده‌اند و تاریخ، از شخصیت‌های شیعی و تلاش‌های شایسته و تألیفات گرانسنگ و مشهور آنان پر بار و سرشار است که همه‌جا خواننده می‌شود.

این تلاش‌های بزرگ در راه دانش و فرهنگ که از قرن اول هجری آغاز شد و تا کنون ادامه دارد و به خاطر همین‌ها حوزه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز فراوانی تأسیس شده است، به دست عالمان و شخصیت‌های شیعه سامان یافته است و هرگز لحظه‌ای این خدمت علمی به بشریت و تمدن اسلامی و انسانی دچار وقفه نگشته است. کتاب‌های زندگینامه‌ها و فهرست‌ها پر از یاد بزرگان شیعه در میدان‌های مختلف علوم است و فرقی بین فقه، اصول، قرآن، حدیث و علوم قرآن و حدیث، لغت و ادبیات نیست. همچنین شیعه، نقش عمده‌ای در تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز علمی در شرق و غرب جهان اسلام داشته است (سبحانی، سیمای عقائد شیعه، بی تا: ۱، ۴۹).

شیعیان و خلق تمدن اسلامی

تمدن اسلامی مرهون تلاش‌های بی‌وقفه امت اسلامی است. آنان با داشتن ملیت‌های گوناگون، در سایه ایمان و عقیده، در اسلام و خدمت به آن ذوب شدند و همه تلاش خود را در مسیر پیشبرد اهداف عالی اسلام به کار گرفتند، و در نتیجه تمدنی را پایه‌گذاری کردند که هم اکنون جامعه بشری مرهون آن تمدن درخشان است. در این میان، شیعه با الهام از تعالیم امامان در برافراشتن بنای شکوهمند تمدن اسلامی نقش مؤثری داشته است، با مراجعه به

کتاب‌های مربوط به علوم و تمدن اسلامی مشاهده می‌کنیم که همه جا نام دانشمندان شیعه می‌درخشد (سبحانی، راهنمای حقیقت، بی تا: ۱، ۴۵۳).

در بیان نقش آنان در ادبیات و علوم ادبی همین بس که پایه‌گذار علم نحو، امیر مؤمنان علی^{علیه السلام} و ادامه دهنده راه او شاگردش ابوالأسود دؤنلی بوده، و پس از وی شخصیت‌های شیعی که غالباً در عراق می‌زیستند، مانند: مازنی (م ۲۴۸)، ابن سکیت (م ۲۴۴) ابواسحاق نحوی (از یاران امام کاظم^{علیه السلام})، خلیل بن احمد فراهیدی مؤلف کتاب «العین» (م ۱۷۰) ابن درید مؤلف «الجمهرة» (م ۲۱) و صاحب بن عبّاد، مؤلف کتاب «المحیط» (م ۸۶) و ده‌ها ادیب شیعی دیگر، هر یک در عصر خود سرآمد علوم لغت و نحو و صرف و یا شعر و عروض بودند. در علم تفسیر، پس از رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} اولین مفسر امیر مؤمنان^{علیه السلام} و ائمه اهل بیت^{علیهم السلام} و پس از آنان عبدالله بن عباس (م ۶۸) و دیگر شاگردان آنان بوده‌اند. در طول چهارده قرن، صدها تفسیر بر قرآن به صورت‌های مختلف نوشته‌اند در علم حدیث نیز شیعه بر دیگر فرق اسلامی تقدم داشته و سنت (همان: ۴۵۵).

رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} را حتی در زمانی که نوشتن حدیث در عصر خلفا ممنوع بود، با نوشتن ومذاکره، حفظ کردند. در این باره می‌توان از «عبد الله بن ابی رافع»، «ربیع بن سَمیع» و «علی بن ابی رافع» از یاران امام علی علیه السلام و سپس شخصیت‌هایی از شاگردان امام سجاد و حضرت صادق و باقر علیهم السلام یاد کرد.

رُشد حدیث در عصر حضرت صادق^{علیه السلام} به جایی رسید که حسن بن علی الوشاء می‌گوید: من در مسجد کوفه نهصد محدّث را دیدم که همگی می‌گفتند، حدیثی جعفر بن محمد^{علیه السلام} (همان: ۴۵۴).

در قلمرو فقه، در مکتب پیشوایان اهل بیت^{علیهم السلام} مجتهدان برجسته‌ای تربیت شده‌اند، مانند: ابان بن تغلب (م ۱۴۱)، زراره بن اعین (م ۱۵۰)، محمد بن مسلم (م ۱۵۰)، صفوان بن یحیی بجلی مؤلف سی کتاب (م ۲۱۰) و صدها مجتهد توانا و محقق مانند شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و ابن ادریس، محقق حلّی و علامه حلّی که آثار گرانبهایی از خود به یادگار نهاده‌اند.

شیعه نه تنها در این علوم تلاشگر و خدمتگزار بوده، بلکه در دیگر علوم مانند تاریخ و مغازی، رجال و درایه، شعر و ادب نیز خدمات شایانی را به جهان اسلام عرضه کرده است که ذکر نام و اسامی آنان در این مختصر نمی‌گنجد.

شیعیان در علوم عقلی مانند کلام و فلسفه، بر تمام مذاهب تقدم داشته‌اند، زیرا شیعه بیش از تمام فرقه‌های اسلامی به عقل بها داده است و با الهام از گفتارهای امیر مؤمنان و فرزندان معصوم اولی در تبیین عقاید اسلامی بیش از حد کوشش کرده، و متکلمانی عالیقدر و فلاسفه ای بزرگ به جهان اسلام تحویل داده است، چندان که کلام شیعی یکی از پربرترین مکاتب کلام اسلامی است که علاوه بر کتاب و سنت، از عقل و خرد به نحو شایسته بهره می‌گیرد. یکی از پایه‌های تمدن علمی، شناخت عالم طبیعت و قوانین آن است و در عصر حضرت صادق^{علیه السلام}، شاگرد نامدار او جابر بن حیان در علوم طبیعی به پایه ای رسید که او را امروز پدر علم شیمی می‌نامند.

همچنین در تدوین علوم جغرافیا، احمد بن ابی یعقوب، معروف به یعقوبی (م ۲۹۰) نخستین جغرافی دانی است که کشور پهناور اسلامی را زیر پا نهاد و کتابی به نام «البلدان» نگاشت. تلاش همه جانبه توسط دانشمندان شیعه از قرن نخست هجری تا به امروز ادامه داشته و در این راه حوزه‌ها و مدارس علمیه و دانشگاه‌های فراوانی تأسیس کرده‌اند که پیوسته در ترویج علم و دانش خدمت گزار بشریت بوده است (همان: ۴۵۵).

نقش اهل بیت^{علیهم السلام} در گسترش تمدن اسلامی در ادوار تاریخ

تاریخ اسلام که با دعوت پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} آغاز شد؛ نقطه آغازین تکون تمدن اسلامی است، پیامبر اسلام^{صلی الله علیه و آله} برای جایگزینی فرهنگ جدید اسلامی به جای فرهنگ عرب جاهلی با مشکلات زیادی روبرو بود، از طرفی بروز مشکلات داخلی نیز نگذاشت تا پایه‌های این فرهنگ به صورت فراگیر مستحکم شده و به سرزمین‌های دیگر منتقل گردد؛ اما به لحاظ کمال دین و فرهنگ نویی که به جامعه انسانی عرضه می‌کرد، این دین توانست در طول زمان

به نیازهای جوامع بشری پاسخ دهد و منبعی جامع برای احتیاجات مادی و معنوی آنان باشد. با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، نخستین گام در مدنیت اسلامی نیز برداشته شد و با گسترش اسلام و در طی فتوحات اسلامی در سده‌های بعد، مرز این فرهنگ و تمدن، مرزهای حجاز را نیز درنوردید.

از آنجا که در ادامه رسالت پیامبر (ﷺ) ولایت و امامت مطرح شد تا خط سیر سرچشمه‌های این فرهنگ و تمدن، در جامعه اسلامی و دیگر جوامع تسری یابد. ائمه اهل بیت (ع) به عنوان پیشگامان حرکت اسلامی و داعیه داران فرهنگ اصیل دینی، به دلیل درک عمیق و دقیق از ارکان فرهنگ اسلامی و با تفسیر صحیح آن‌ها، علاوه بر تقویت پایه‌های فرهنگ اسلامی، آن را از تحریف و انحراف مصون داشته و با تعلیم علوم نزد خود و تربیت شاگردانی ممتاز در علوم و فنون زمان، ب ر غنای آن افزودند. در رأس این حرکت امامان معصوم (ع) امام امیرالمومنین (ع) قرار داشت؛ شخصیتی که نه تنها در طول دوران حیات خویش، بلکه در زمان حیات حضرت رسول (ﷺ) نیز رتبه‌ای ممتاز داشت و در پایه گذاری علوم اسلامی نقش به سزایی ایفا نمود. فرزندان علی (ع) نیز به پیروی از ایشان، تداوم بخش این نهضت عظیم فرهنگ ساز بودند که این نقش را در زمان صادقین (ع) و امام ضامن (ع) برجسته تر از دوران دیگر ائمه می بینیم. در ادامه مسیر نیز پیروان ایشان بر این امر اهتمام گماشته و در راه بسط و توسعه فرهنگ و معارف اسلامی نقش به سزایی ایفا نمودند که در ادامه تلاش‌ها و مجاهدت‌های ائمه اهل بیت (ع) بوده است. وجود بی‌شمار علمای شیعه به عنوان شاگردان و رهپویان مکتب اهل بیت (ع) در علوم مختلف، نشان گر سهم برجسته و قابل توجه مکتب تشیع در پیدایش و بسط علوم و معارف اسلامی است.

طبقه بندی علوم

نوع نگاه دانشمندان مسلمان به علوم، متمایز از نگاه غیر مسلمانان بود؛ از این رو دانشمندان جهان اسلام در پی تعریف دسته بندی جدیدی در علوم و دستیابی به معارفی بالاتر برآمدند.

که دست‌آورد آن رشته‌های متعدد علمی است که تا کنون پا برجاست. نگاهی به سیر تکون این طبقه بندی‌ها، حاکی از نوعی نگاه ماورایی به علوم و همچنین نشان دهنده اهمیت موضوع و محتوای آن علوم نیز می‌باشد:

۱. دانشی که به سبب اهمیت بر دیگر دانش‌ها ارجحیت دارد؛ مانند علم دین نسبت به پزشکی.

۲. دانشی که واسطه‌ای است برای رسیدن به دیگر دانش‌ها؛ مثل علم منطق نسبت به فلسفه.

۳. تقدم بخشی از یک علم بر دیگر بخش‌ها؛ مثل تقدم صرف بر نحو در ادبیات عرب.

۴. مقدمه بودن یک علم برای درک بهتر دیگر علوم؛ مثل خواندن ریاضیات برای درک بهتر فلسفه.

خوارزمی نیز در کتاب «مفاتیح العلوم» خود نوعی طبقه بندی ارائه نموده که در آن علوم در دو دسته شرعی (اسلامی) و غیر شرعی (غیر اسلامی) آمده است وی علمی را که در فرهنگ و تمدن اسلامی به وجود آمده‌اند؛ علوم اسلامی و علمی را که در دیگر تمدن‌ها به وجود آمده اما مسلمانان نیز در آن نقش داشته‌اند؛ در علوم غیر اسلامی طبقه بندی نموده است وی از نظم منطقی استفاده نکرده و تنها بر مبنای موضوع و هدف علوم دسته بندی خود را انجام داده است (خوارزمی، مفاتیح العلوم، بی تا: ۵).

در تقسیم بندی علوم ملاک‌های مختلفی را در نظر گرفته می‌شود؛ اما مجموع این دسته بندی‌ها از پنج حالت کلی زیر خارج نیست (ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ۱۳۸۲: ۴، ۱۲۹).

۱. به دو دسته نظری و عملی تقسیم می‌شوند که این طبقه بندی متأثر از فلسفه یونان است، علم نظری (حکمت نظری) خود سه دسته است: علوم الهی، علوم ذهنی، علوم طبیعی. علم عملی (حکمت عملی) نیز بر سه دسته است: علم اخلاق، علم تدبیر، علم سیاست.

۲. به سبب وسیله قرار گرفتن برای رسیدن به هدفی دسته بندی می‌شوند؛ اهم و مهم.

۳. به جهت خاستگاه و منشا به دو دسته اسلامی و غیر اسلامی نیز قابل تقسیم است.
۴. شرعی که شامل علوم شریعت و منقسم بر اصول (قرآن و سنت) فروع (فقه)، مقدمات (صرف و نحو) و متممات (رجال و درایه) است و غیر شرعی، علوم عقلی محض هستند؛ مثل ریاضیات.
۵. عقلی و نقلی نیز نوع دیگری از طبقه بندی در علوم است.

علوم و معارف اسلامی

منظور از علوم و معارف اسلامی، آن دسته از علومی است که موضوع آن مبنای تشکیل فرهنگ اسلامی است و یا مقدمه این علوم است، این علوم عبارتند از: علوم قرآن، تفسیر، لغت، قرائت علوم حدیث، رجال، درایه، علم کلام، فقه و اصول، اخلاق، فلسفه در ادامه به برخی از این علوم اشاره خواهد شد.

۱. علوم قرآن

از گذشته تا کنون کتاب‌های فراوانی درباره معجزات قرآن، لغات مشکله، نقطه‌ها و شکل قرآن، متشابهات، فضایل قرآن، ناسخ و منسوخ، شأن نزول آیات، احکام و تاریخ قرآن نوشته شده است. می‌توان گفت که در این نهضت عظیم قرآنی علی بن ابیطالب^۱ و شیعیان شان پیشگام بوده‌اند. اولین کسی که قرآن را نوشته و جمع‌آوری نموده امیر المومنین علی^۲ بوده و اولین کسی که قرآن را نقطه‌گذاری نموده «ابوالاسود دثلی» یکی از اصحاب امیر المومنین^۳ بوده است. همچنین اول کسی که در علم قرائت، معانی و توضیح لغات مشکله کتاب نوشت «ابان بن تغلب» صحابی امام چهارم بود و نخستین کتاب فضایل قرآن را «ابی بن کعب» صحابی معروف و از شیعیان امیر المومنین^۴ نوشته است. اولین کتاب در مجازات قرآن را نیز «فرا» نحوی معروف که یک شیعه ایرانی است، نوشته است و نخستین کسی که در احکام قرآن کتاب تالیف نمود «محمد بن سائب کلبی» شیعه و اولین تفسیر قرآن را «سعید بن جبر» شیعی تالیف نموده است (صدر، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، بی تا: ۳۲۲-۳۱۶).

۱.۱. قرآنت

از آنجا که قرآن در آن زمان بی نقطه و بدون اعراب نوشته می شد و همچنین لهجه های مختلفی میان قبایل مختلف وجود داشت؛ رسول خدا (ﷺ) نحوه قرائت آن را از همان زمان نزول به صحابه تعلیم فرمودند و آنان نیز به دیگران آموختند؛ بنابراین این علم همزاد با نزول قرآن است. در واقع پایه گذار علم قرائت پیامبر (ﷺ) بوده اند؛ زیرا ایشان امر به صحت قرائت و زیبایی صوت در خواندن قرآن می نمودند. پس از علی بن ابیطالب (ع) عبدالله بن مسعود و ائمه (ع) از جمله امام سجاده (ع) جزء قاریان خوش صوت قرآن بوده اند.

اولین کسی که قرآن را با الحان موجود در زمان حاضر قرائت نموده، عیبدالله بن ابی بکر ثقفی معروف به ابن حاتم است که جزء طبقه سوم تابعین و قاضی بصره بوده است. اختلاف در قرائت به سبب اختلاف در روایات رسیده از پیامبر (ﷺ) است و در هر یک از بلاد اسلامی قرائت یکی از قراء پذیرفته شد و در نتیجه پنجاه قرائت که مشهورترین آنها قرائت سبعة است، پدیدار شد (ولایتی پیشین: ۲، ۲۶). بعضی پنداشته اند اول کسی که در علم قرائت کتاب تالیف کرد نابوعبید قاسم بن سلام (م ۲۲۴) ب وده در حالی که پیش از او «حمزه بن حبيب» (م ۱۵۶) یکی از قراء سبعة و پیش از او نیز «ابان بن تغلب» (م ۱۴۱) یکی از شیعیان و یاران امام سجاده (ع) بوده است که در این زمینه کتاب نوشته است (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۵۰: ۱۲۳).

۱.۲. تفسیر

در زمان رسول خدا چون مردم از شان نزول آیات آگاهی داشتند و همچنین قرآن به زبان مادری آنها نازل شده بود، از این رو کمتر دچار مشکل در فهم قرآن می شدند ولی بعدها احتیاجات فراوان به احکام الهی و فهم حقایق آن نیاز به تعمق بیشتری داشت که علم تفسیر را به وجود آورد. اگر بخواهیم بدانیم اولین مفسر قرآن چه کسی بوده است، بی تردید نام پیامبر (ﷺ) و علی (ع) می درخشد؛ در واقع تفسیر امام علی (ع) را باید سرآغاز تفسیر عقلی از قرآن کریم دانست. امامان معصوم (ع) نیز به پیروی از پدر بزرگوارشان علی (ع) همواره به تفسیر قرآن اشتغال داشته اند ولی

متأسفانه کتاب تفسیری از ایشان باقی نمانده است، بلکه تنها روایات بی‌شماری از آنان خصوصاً امام باقر و صادق علیه السلام در کتابهای تفسیری شیعه باقی مانده است که بیشتر آنها در تفسیر قمی و مجمع البیان گردآوری شده است. از امام علی علیه السلام و فرزندان ایشان که بگذریم، می‌توان از صحابی ای چون: ابن عباس، ابن مسعود، ابن ابی کعب و جابر بن عبدالله انصاری در شرح و بسط علم تفسیر نام برد. ابن ندیم در کتاب الفهرست اسامی بیش از چهل تن از صحابی و تابعینی که تفسیر نگاشته‌اند را آورده است (این ندیم، الفهرست، بی تا: ۵۷).

در پیدایش و گسترش علم تفسیر، مفسرین از روش‌ها و اسلوبهای مختلفی استفاده نمودند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱,۳. تفسیر قرآن به قرآن

این روش مبتنی بر کمک گرفتن از برخی آیات قرآن کریم برای فهم و تبیین دیگر آیات است. گفته می‌شود این روش همان روش تفسیری پیامبر (ﷺ) و اهل بیت علیهم السلام بوده است و این روشی است که قرآن خود برای فهم آیاتش ما را بدان راهنمایی نموده است.

۱,۴. تفسیر اجتهادی

این روش نیز مبنای قرآنی دارد و به بیان علامه طباطبایی سیصد آیه‌ای که در قرآن بر تعقل و تفکر تاکید می‌نماید برای کشف معانی آیات قرآن است.

۱,۵. تفسیر موضوعی

مفسر برای تبیین یک موضوعی خاص آیاتی از قرآن را که از نظر معنایی با هم مرتبط هستند را استخراج و در کنار هم به عنوان دیدگاه قرآن راجع به آن موضوع مطرح می‌کند. تفسیر تطبیقی، عصری، تاریخی، فلسفی، ادبی، نقلی، هدایتی و تربیتی، کلامی، رمزی و عرفانی نیز از انواع دیگر تفسیر است (ولایتی پیشین: ۲، ۳۵). گفته می‌شود اولین تفسیر مدون قرآن مجید، روایاتی بوده که در شرح برخی آیات وارد گردیده و در این باره عبدالله بن عباس

(ابن عباس) شاگرد امیرالمومنین ع در تفسیر، را نخستین مدون تفسیر دانسته‌اند و آثار زیادی را به وی نسبت می‌دهند که بیشتر آنها از شاگردان اوست (جبل عاملی، اعیان الشیعه، ۱۹۸۳م: ۲۲۶). اما در نزد اهل سنت و بیشتر شیعه «سعید بن جبیر» شیعی، از شاگردان ابن عباس، به عنوان اولین مفسر نامبردار است و تفسیر وی که بیشتر جنبه لغوی و تاریخی دارد از مهم‌ترین منابع در حوزه تفسیر به شمار می‌رود (عقیقی، فقهای نامدار شیعه، ۱۴۰۵ق: ص ۴۵۰).

۱,۶. ادبیات

منظور از ادبیات صرف، نحو، معانی، بدیع، عروض، لغت و... است و جزء علمی است که به لحاظ اهمیت در دسته علوم مقدماتی قرار می‌گیرد؛ یعنی مقدمه ایست برای یادگیری دیگر علوم و به خودی خود هدف یادگیری نیست.

۶,۱. لغت

اول کسی که در «علم اللغه» کتاب نوشت «ابوعبدالرحمن خلیل بن احمد» (م ۱۷۰) معروف به «عروسی» و از شاگردان امام جعفر صادق ع است. بعد از وی، «ابن سکیت»، «مبرد» (با کتاب الکامل)، «ابن دریدم» (با کتاب جمهره اللغه) می‌باشند.

۶,۲. صرف

نخستین کسی که علم صرف را وضع کرد، نابو مسلم معاذ الهراءم (م ۱۸۷)، شاگرد امام صادق ع بوده است. بعد از وی نیز ابو عثمان مازنی کتاب مستقلی به نام نالتصریفم را نگاشت (صدر پیشین: ۱۴۸-۱۵۸).

۶,۳. نحو

همه اتفاق نظر دارند که واضع و مؤسس علم نحو امیرالمومنین ع بوده که کلیات این علم را به «ابوالاسود دثلی» آموخته است و وی هم به دیگران آموخته است (صدر پیشین: ۴۰-۶۵).

۶,۴. شعر

اگر چه ظاهراً اسلام به شعر و شعرا روی خوشی نشان نداده است، اما شعری که آموزنده و حکمت آمیز باشد، نه تنها مذموم نیست بلکه ممدوح و مقبول اسلام نیز هست. از همان زمان حیات رسول خدا (ﷺ) و پس از آن در زمان اهل بیت (ع) می‌بینیم که شعری که در شعرهای شان معانی اخلاقی و علمی و حماسی وجود داشته مورد عنایت و تکریم بوده‌اند و برخی همچون فرزوق، و دعبل شاعر خاص اهل بیت (ع) نیز بوده‌اند.

۲. حدیث

علم حدیث در کنار قرآن، پایه نخست علوم اسلامی است و به عنوان دومین منبع علوم اسلامی است، از آنجا که سنت نبوی در قالب احادیث عرضه می‌شد، این علم تاثیر چشم‌گیری در توسعه علمی چون، تاریخ، ادبیات، کلام و فلسفه گذاشت اگر چه از زمان حیات رسول خدا (ﷺ) همه مسلمین به حفظ و جمع‌آوری حدیث اهتمام داشتند اما خاندان پیامبر و پیروانشان در کتابت و تدوین آن پیشگام بوده و عامه به سبب نهی خلفا از کتابت حدیث و به بهانه این که پرداختن به حدیث جای قرآن را نگیرد؛ در این امر کوتاهی نمودند. این نهی در زمان عمر بن عبدالعزیز شکسته شد و به کتابت حدیث آغاز گردید. نخستین کسی که در اهل سنت به کتابت حدیث پرداخته «ربیع بن صبیح» (م ۱۶۰) و «سعید بن عروبه» (م ۱۵۶) است. اما در شیعه از همان زمان حیات رسول خدا (ﷺ) به این امر پرداخته شد در صحیح مسلم و فتح الباری ابن حجر آمده که امیر المومنین (ع) فرزندش امام حسن (ع) انس بن مالک عبدالله بن عمرو بن عاص و دیگران بر خلاف برخی صحابه کتابت حدیث را پسندیده می‌دانستند (صدر پیشین: ۳۱۱).

اولین کتاب حدیثی شیعه، کتابی است به املاء رسول خدا و خط علی (ع) که به نام «صحیفه» یا «جامعه» مشهور است و دیگری کتابی است به نام «مصحف فاطمه (ع)» این دو کتاب نزد امامان شیعه (ع) موجود بوده و گاهی مسائل خود را با استناد به آنها استدلال

می کرده‌اند. گویا حضرت علی علیه السلام نیز کتابی مربوط به دیات داشته که معمولاً همراه ایشان بوده است.

کتاب ابورافع، غلام آزاد شده پیامبر صلی الله علیه و آله و الاحکام و القضاای امیرالمومنین علیه السلام نخستین کتاب حدیثی است که در سنن، احکام و قضایا نوشته شده است. بعد از وی کسانی چون: سلمان، ابوذر، اصبع بن نباته، ابن ابی رافع، حرث بن عبدالله، میثم تمار، ربیعہ بن سمیع و عبیدالله بن حر قرار می‌گیرند که تالیفاتی در حدیث، قضاوت‌های امیرالمومنین علیه السلام، خطابی، گفتگوها و مناظره‌های حضرت داشته‌اند.

در طبقه بعد «زبور آل محمد» علیه السلام یا «صحیفه سجادیه» قرار دارد و همچنین تالیفاتی از جابر بن یزید جعفی، زید شهید، حسن بن ثور و زیاد بن منذر، در زمان صادقین علیهم السلام که فضای جدیدی برای نشر معارف الهی ایجاد شده بود، این دانش سیر صعودی پیدا کرد و حدود هفت هزار رساله و کتاب نوشته شد که از آنها اصول اربعمأه به وجود آمد که مصدر جوامع حدیثی بعدی گردید به دنبال علم حدیث، برای شناخت احادیث جعلی از صحیح، علم درایه و رجال به وجود آمد که شیعه در این دو علم نیز پیشتاز بود.

۳. فقه

در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله نسل اول عالمان اسلامی، محدثان بودند که کمتر به استنباط احکام شرعی بر اساس قرآن و حدیث می‌پرداختند و مسائل از شخص ایشان سوال می‌شد. ولی پس از رحلت ایشان صلی الله علیه و آله این استنباط (اجتهاد در کتاب و سنت) ضرورت پیدا کرد، نیازمندی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامع اسلامی مستلزم بیان احکام جدید و تبیین بیشتر امور جزئی بود که شکافتن علوم و بیان احکام الهی را از دل کتاب و سنت می‌طلبد، ائمه علیهم السلام به عنوان وارثان علم نبوی و حافظان دین الهی اولین و بهترین منبع نشر و تبیین احکام الهی برای مردم بودند و در طول حیات ایشان مرجع علمی جامعه در این مسائل به شمار می‌رفتند، به ویژه در زمان صادقین علیهم السلام که امام صادق علیه السلام مکتب فقهی مطرح شده از سوی پدر بزرگوار خویش را مدون و منسجم نموده و

به عنوان یک مکتب فقهی شیعی ارائه نمودند که به فقه جعفری شهرت گرفت، به جز ائمه^{۱۱} دیگرانی هم چون یونس بن عبدالرحمن زراره بن اعین، ابوبصیر، فضل بن شاذان نیز بودند که در فقه و اجتهاد شهرت داشتند. (صدر پیشین: ۳۱۱).

دسته‌ای دیگر نیز فقه خود را تنها بر پایه روایات و نقل حدیث استوار نموده و از هر نوع استدلال عقلی در احکام شرعی ابا داشتند. اگر چه در مقابل برخی نیز خود را در عرض خاندان نبوت دانسته و رای و اجتهاد خویش را در استنباط حکم خدا داخل کرده و فقه دیگری به جامعه عرضه داشتند.

۴. اصول فقه

با شکل‌گیری علم فقه تلاش‌ها برای تدوین و بیان مبادی این علم آغاز شد و به عنوان علمی مجزا مطرح گردید از طرفی دیگر با گسترش جامعه اسلامی و پدید آمدن نیازهای جدید و همچنین داخل شدن احادیث مجعول در منابع روایی اسلامی، بیان چگونگی استخراج احکام از قرآن و سنت ضرورت پیدا کرد. در سده‌های نخستین قواعدی چون؛ حجیت دانستن الفاظ ظاهری، حجیت خبر، حجیت اجماع و شهرت، تعارض ادله زیربنای علم اصول را تشکیل می‌دادند. البته عامه در این باره به خاطر گسست از اهل‌بیت^{۱۲} زودتر احساس نیاز به این علم نمود و راه انحراف (قیاس، استحسان، استصلاح و...) را در پیش گرفت در حالی که شیعه با اتصال به معارف اهل‌بیت^{۱۳} در این علم قوی تر و متقن تر عمل نموده است. ائمه^{۱۴} با آموزش اصول استنباط احکام الهی از کتاب و سنت (اصول فقه) مبانی اولیه این علم را بنا گذاشتند؛ اگر چه عده‌ای معتقدند به کار بردن قواعد اصولی از همان صدر اسلام وجود داشته است. در نگاهی دیگر شاید بتوان امام باقر^{۱۵} و امام صادق^{۱۶} را مؤسس علم اصول فقه دانست که ضمن تدوین فقه شیعه، اصول این علم را نیز برای شاگردان خود بیان نموده‌اند. در این که نخستین کتاب در این باره را چه کسی تدوین نموده است؛ اختلاف است. برخی شافعی، برخی شیبانی و برخی دیگر نیز قاضی ابویوسف را مؤلف کتاب در این علم می‌دانند؛ اما مرحوم شهید

صدر، از هشام بن حکم به عنوان نخستین مولف علم اصول نام می‌برد که کتاب «الغایظ» را در مهم‌ترین مباحث اصولی نوشته است. پس از او یونس بن عبدالرحمن با تالیف کتاب «اختلاف الحدیث و مسائله» قابل ذکر است (صدر پشین: ۳۱۱).

۵. کلام

عصر رسالت نخستین زمان ظهور علم کلام است، چرا که رسولان الهی به توضیح و دفاع از عقاید دینی خود پرداخته‌اند. مرحله دوم آن پس از حیات رسول خدا (ﷺ) است که مسلمانان به دلیل ارتباط با غیر مسلمانان برای دفاع از حریم اسلام و مقابله با انحرافات، به روش‌های نوین فکری و استدلالی روی آوردند. علت دیگری که می‌توان برای پیدایش علم کلام برشمرد وجود عقاید التقاطی در میان نومسلمانان از اقوام و مذاهب دیگر بود که درصدد تطبیق آموزه‌های اسلامی با آموزه‌های سابق خود بودند. برخلاف برخی اظهار نظرها، کلام اسلامی از کلام مسیحی نشأت نگرفته و کلام شیعی نیز متقدم از کلام اهل سنت است و متأثر از کلام معتزلی نیست، علم کلام از ابتدا به عنوان علم منظم و منسجمی مطرح نشده؛ بلکه یک سری بحث‌هایی درباره مسائل مختلف اعتقادی بوده که معمولاً به جدل نیز کشیده می‌شده که این استدلال‌ات و مباحثات در سه قالب آموزش و تعلیم، مناظره و مجادله و پرسش و پاسخ مطرح شده است.

در زمان حیات رسول خدا (ﷺ) با توجه به حضور ایشان و پاسخگویی به مسائل، در این باره کتابی تدوین نشد، اگر چه شخص منحصر به فرد این دوره همچون سایر عرصه‌های علوم، امیرالمومنین (علیه السلام) است که برای نخستین بار درباره ذات و صفات خداوند، حدوث و قدم، بساطت و ترکیب، وحدت و کثرت و... بحث‌های عمیقی مطرح نموده‌اند. امیرالمومنین (علیه السلام) به گسترش و تعمیق مباحث کلامی پرداخته و به عنوان اولین متکلم اسلام می‌باشند. سایر ائمه (علیهم السلام) به ویژه امام سجاده (علیه السلام) صادقین (علیهم السلام) و اما رضا (علیه السلام) نیز بحث‌های فراوانی را مطرح و شاگردان زیادی در این زمینه تربیت نموده‌اند، پس از ائمه (علیهم السلام) شاگردانی چون؛ هشام بن حکم، هشام بن سالم، مؤمن الطاق و فضل بن شاذان در این علم سرآمد بودند.

۶. فلسفه

فلسفه بحث استدلالی در زمینه حقیقت پدیده‌ها و مولود نگرش آدمی به اصل و سرنوشت هستی است؛ از این رو قدمتی به بلندای حیات بشری دارد. با ظهور دین اسلام و ارائه آموزه‌های قرآنی و روایی، فلسفه به اوج کمال خود رسید. در کنار آن روایات نیز به ذکر مسائل عمیق عقلی در باب مسائل فلسفی پرداختند که از میان ائمه امام علی، امام صادق، امام کاظم و امام رضا بیشتر به این مباحث پرداخته‌اند که در این میان امام علی نقش ویژه‌ای دارند. ایشان اولین کسی است که در باب فلسفه الهی، سخنانی منطقی و توأم با برهان در خطبه‌ها و سخنان خود آورده‌اند. همچنین ایشان اولین کسی است که واژه‌های عربی را برای بیان مباحث فلسفی و اصطلاحات حکمی به کار برده‌اند مفاهیمی چون، قدیم و ازلی وحدت عددی، قوه، استعداد علت و معلول (طباطبایی)، فلسفه الهی در بینش علی ۱۴۱۲ق: ۲۵۵- (۲۱۷). در جهان اسلام اولین فیلسوف مسلمان ابویوسف یعقوب بن اسحاق الکندی، مشهور به فیلسوف العرب، است که در سده دوم و سوم هجری به فراگیری فلسفه از زبان‌های یونانی و سریانی پرداخت. از وی حدود دویست و هفتاد اثر در هفده رشته علمی همچون: فلسفه، منطق، طب، نجوم، ریاضیات، موسیقی، هندسه نام برده‌اند او نخستین کسی بود که بین فلسفه و دین آشتی برقرار کرد و تعریفی فلسفی از دین ارائه نمود.

۷. منطق

از آنجا که علم منطق مقدمه فراگیری و پرداختن فلسفه است، بی‌شک منطق نیز همزاد فلسفه بوده و از ابتدا با به کارگیری قواعد ساده منطقی شکل گرفته است. همان طور که ائمه به بیان مسائل فلسفی پرداخته‌اند، از اصول و فنون علم منطق استفاده نموده و به بیان آن پرداخته‌اند. از طرفی به این علت که در مکتب تشیع، عقل جایگاه والایی دارد و یکی از مستمسکات در تبیین علوم و معارف الهی است، حضور پررنگ علوم عقلی را می‌توان در سراسر معارف شیعی دید و مسلماً در راس همه اینها، روایات و آموزه‌های اهل بیت است که مشحون از این مسائل

می باشد و به تبع شیعه نیز پرچمدار و پیشتاز عرصه علوم عقلی بوده و هست. منطق مسلمین را می توان در علم کلام و فقه آنان به خوبی مشاهده نمود؛ در واقع اصول فقه فقها، منطق آنان است و متکلمان اسلامی نیز همواره از منطق مخصوص خود استفاده می نمودند اولین کسی که در جهان اسلام به ترجمه متون منطقی مبادرت ورزید ابن مقفع ایرانی است که به دنبال وی اشخاصی چون کندی بر روی این متون کار کرده و تالیفاتی فراهم آوردند از آثار کندی که بیست و دو مورد آن در فلسفه است^{۱۱} اثر در باب منطق به عنوان مقدمه فراگیری فلسفه نوشته شده است.

۸. تاریخ و تاریخ نگاری

اعراب قبل از اسلام به علم انساب (تبارشناسی) و تاریخ اهتمام داشتند؛ اما با ظهور اسلام و تاکید ویژه قرآن بر عبرت از تاریخ گذشتگان این علم پررنگ تر شد و اهمیت خاصی پیدا کرد. مهم ترین عامل ترغیب مسلمانان به تاریخ و تاریخ نویسی، همانا آموزه های قرآنی و روایی بود که خود به سرگذشت انبیا و امم گذشته اشاره نموده بود، در طی فتوحات اسلامی نیز مسلمانان در رویارویی با اقوام و ملل جدید، خود را نیازمند شناخت اوضاع و احوال آنان دانستند و این امر حجم مطالعات تاریخی را دو چندان نمود و در پی آن کتب تاریخی بسیاری به نگارش درآمد که در میان سایر اقوام بی سابقه بود. با توجه به اینکه در صدر اسلام موارد تاریخی در احادیث نقل می شد، این علم از دل علم حدیث خارج شد و به صورت مستقل و در قالب رشته های مختلفی همچون: سیره نویسی، طبقات روات، طبقات رجال و صحابه، ملل و نحل، جنگ ها و فتوحات بروز کرد و از همان صدر اسلام در هر یک از این رشته ها آثاری نگاشته شد.

امیر مومنان^{۱۲} علاوه بر این که خود بر تدوین و بیان حدیث در این باره اهتمام داشتند، به فراگیری این دانش نیز تاکید می ورزیدند گفته می شود نخستین کسی که در علم تاریخ کتاب نوشته «عبیدالله بن ابی رافع» شاگرد امیر المومنین^{۱۳} بوده که درباره صحابه ای که در جنگ

جمل، صفین و نهروان در رکاب حضرت به شهادت رسیدند نوشته است، نخستین تاریخ نگار مسلمان، ابومخنف است که برخی تک‌نگاری‌های موضوعی در تاریخ از وی باقی مانده است، ابن اسحاق نیز نخستین سیره‌نویس است که سیره نبوی را به نگارش درآورده است. واقدی نیز نخستین مغازی‌نویس درباره جنگ‌های پیامبر ﷺ است و شاگرد وی ابن سعد در الطبقات شرح حال پیامبر ﷺ صحابه و تابعین را آورده است، محمد کلیبی و فرزندش هشام نیز منبع ارزشمندی به نام الانساب در تبارشناسی اعراب به وجود آوردند، نخستین تاریخ عمومی اسلامی؛ تاریخ یعقوبی، نوشته دانشمند شیعی احمد بن یعقوب است که در دو جلد، یکی درباره تاریخ یهود، هند، ایران، روم و یونان دیگری در تاریخ اسلام از آغاز تا عصر معتمد عباسی است (ولایتی پیشین: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ۱، ۲۸۲).

۹. عرفان و تصوف

در صدر اسلام افرادی با اتخاذ مواضع اعرض گونه از دنیا و مظاهر آن و داعیه سلوک الی الله، سلوکی خاص در پیش گرفتند تا به رضای حق دست یابند تا قرن دوم، عرفان همان اسلام عملی و راستین بود و جنبه علمی نداشت، در این باره در میان مسلمانان صدر اسلام نمی‌توان کسی را یافت که همچون علی علیه السلام دل در گرو حق داشته و در میان صحابه نیز کسی جز آن حضرت نبود که دنیا را سه طلاقه کرده باشد، پس از ایشان افرادی چون سلمان، ابوذر، کمیل بن زیاد، اویس قرنی، رشید هجری و میثم تمار را می‌بینیم که عرفای اسلامی اینان را در راس سلسله‌های خود قرار داده‌اند. در اصل آنچه به عنوان عرفان و طی طریقت مطرح شد چیزی جز التزام عملی و دقیق به اصول و معارف اهل بیت علیهم السلام نبوده و مسلماً خود ایشان در این باره سرآمد همگان بوده‌اند. بعدها افرادی از این میان چون ذوالنون مصری، جنید و شبلی به ذکر مقامات عارفین پرداخته و ضمن دسته‌بندی مراحل سلوک عرفان را در اعداد علوم اسلامی وارد نمودند.

۱۰. اخلاق

با توجه به تاکید و اهتمام خاصی که اسلام بر کسب محاسن اخلاق، دفع رذایل و تزکیه نفس

نموده است و پیامبر (ﷺ) نیز یکی از انگیزه‌های بعثت خویش را مکارم اخلاق خوانده‌اند، مسلمین ترغیب شدند تا در این وادی گام نهند، از این رو مسلمین از همان ابتدای نزول قرآن به تزکیه نفس و تلاش در کسب فضایل اخلاقی پرداختند، باز هم باید گفت نخستین کسی که در این زمینه قدم پیش گذاشته امیرالمومنین (علیه السلام) است و این دانش را به صورت مدون درآورده است؛ آن هم در نامه‌ای که به فرزندش امام حسن (علیه السلام) نوشته و ضمن آن، تمام ابواب این علم و همه عوامل سعادت و شقاوت را بر می‌شمارند، در فرمایشات و مآثورات سایر معصومین (علیهم السلام) نیز چنین مواردی به وفور مشاهده می‌شود.

از شاگردان معصومین (علیهم السلام) نخستین کسی که در اخلاق کتابی مستقل نگاشته است «اسماعیل بن مهرانم شاگرد امام ششم است که در قرن دوم کتاب صفات مؤمن و فاجر را نوشت. این چه کسی و در چه زمانی مباحث اخلاقی را با اصول علمی مطرح نموده باید گفت؛ ابن مسکویه اولین کسی است که با تالیف کتب متعدد اخلاقی همچون: تهذیب الاخلاق تجارب الامم، الفوز الاصح، جاویدان خرد، طهاره الاعراق و... به ویژه با کتاب طهاره الاعراق) شاهکار علمی خود را به منصفه ظهور رسانده است که سایرین در تالیفات خود پیروی کرده‌اند.

علوم غیر اسلامی

مسلمین در رشته‌های علوم تجربی و حسی نیز تلاش‌های فراوانی نموده و پیشرفت‌های قابل توجهی به دست آوردند. اگر چه سر رشته برخی از این علوم در ابتدا در دست غیر مسلمانان بوده ولی آنگاه که به بلاد اسلامی راه پیدا کرده، علاوه بر تکامل و اصلاح، گاهی نیز همچون علم نجوم و طب دچار تحول‌های عظیمی شده و ابداعات فراوانی در آن صورت گرفته است که امروزه منشا خدمات فراوانی به کل جهانیان است.

۱. شیمی

شاید بتوان گفت که علم شیمی؛ علمی است که پایه‌گذار آن مسلمانان بوده‌اند و با کشفیات و

ابداعات خود در این باره راه وصول به علم شیمی جدید را هموار نمودند.

دستاوردهای مسلمانان در این علم به اندازه‌ای است که می‌توان پایه صنعت غرب را بر آن استوار دانست و به جرات بیان نمود که و علم شیمی غرب میراث دار دانشمندان مسلمانی چون جابر بن حیان، زکریای رازی و ابوریحان بیرونی است، علمی که امروزه ما از آن به عنوان علم شیمی نام می‌بریم؛ ریشه در علمی دیرینه به نام علم کیمیا دارد که در واقع علم تبدیل فلزات پست همچون آهن و مس، به فلزات گرانبهایی همچون طلاست. شخصیت شهیری که کیمیا را از خرافه به علمی تجربی و آزمایشگاهی تبدیل نمود «جابر بن حیان» است که از شیعیان ایرانی و از شاگردان امام صادق^{علیه السلام} بود. وی در تمام دنیا به پدر کیمیای عرب معروف است و مجموعه آثار وی به عنوان بزرگترین حجت در کیمیاگری به شمار می‌رود در مجموعه جابری در موضوعات مختلفی چون، جهان‌شناسی، نجوم، کیمیا، موسیقی، علم اعداد و حروف و... بحث شده است که نشان از تسلط بالای او بر علوم مختلف است.

در علم شیمی اگر چه خالد بن یزید نخستین کسی است که نگاهشته‌هایی دارد، اما همان طور که گفته شد اولین دانشمندی که این علم را بدین معنا پایه‌گذاری کرد، جابر بن حیان، شاگرد خاص امام صادق^{علیه السلام} است که علم شیمی را یک بار برای همیشه در جهان اسلام تاسیس نمود. وی در آثار خود راجع به تصفیه، تقطیر، تبخیر، ذوب، تبلور مطالبی نوشته و طرز تهیه برخی مواد شیمیایی را بیان نموده است. وی کربنات سرب را بدست آورد و آرسنیک و آنتیموان را از سولفید آنها جدا نمود وی در آثار خود درباره پالایش فلزات، تهیه فولاد، رنگ کردن پارچه و چرم، تقطیر سرکه برای بدست آوردن اسید استیک غلیظ و... توضیحاتی داده است که در نوع خود بی‌نظیر است گفته می‌شود در موزه بریتانیا، هشتاد جلد کتاب در مورد کشفیات او وجود دارد که دانشمندان علم شیمی آنها را به زبان انگلیسی ترجمه کرده‌اند..

سرآمد این علم پس از جابر، بزرگترین پزشک بالینی اسلام، محمد بن زکریای رازی است که در علم کیمیا نیز خود را شاگرد جابر می‌دانست، کتب کیمیاگری رازی در واقع اولین کتب علم شیمی است؛ چرا که وی طبقه بندی دقیقی از اجسام در شیمی ارائه نموده که با

اصطلاحات علم کیمیا بیان شده است. وی بسیاری فرآیندهای شیمیایی را شرح نموده که با کشفیات شیمی جدید مطابقت دارد، زکریای رازی را مؤسس شیمی جدید در شرق و غرب می‌نامند (ولایتی پیشین: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ۱، ص ۲۴۶).

۲. ریاضیات

در صدر اسلام علم ریاضیات و حساب چندان مورد توجه نبود؛ چرا که احتیاج مسلمانان به آمار و حساب مالیات و خراج بر عهده موالیان و اهل ذمه بود، با گسترش قلمرو اسلامی، نیاز به حساب نیز احساس شد و در جریان ترجمه علوم بیگانه به عربی، حساب نیز ترجمه شد و در زمره علوم مورد مطالعه جامعه اسلامی راه یافت. مسلمانان با فراگرفتن این علم بر تکامل آن کوشش‌هایی روا داشته و به نوآوری‌هایی نیز دست یافتند که بعدها به غربیان انتقال یافت و از آن بهره‌های فراوانی بردند. محمد بن ابراهیم فزاری که دانشمند شیعی معاصر منصور دوانیقی است، اولین شخصیت موثر در علم ریاضیات است که از راه ترجمه اعداد هندی را در عربی وارد نمود که زمینه استفاده دیگر دانشمندان اسلامی را فراهم نمود (ابن ندیم، الفهرست: ۳۹۵). اما خوارزمی، معاصر مامون و رییس کتابخانه وی، شخصیتی است که در این علم خوش درخشیده و پایه گذار علم جبر و الگوریتم (محاسبه) شد. کتاب‌های وی در این زمینه به زبانهای اروپایی ترجمه شد و به عنوان مبنای مطالعات ریاضی، سال‌ها مورد استفاده آنان قرار گرفت بوزجانی، ابن سینا و فارابی در مثلثات، ابن هیثم و اخوان الصفا در معادلات و ابوریحان بیرونی در هندسه، حساب، جبر و اعداد سر رشته داشته‌اند و کتاب‌های ایشان مورد استفاده دانشمندان غربی بوده است (ابن ندیم پیشین: ۲۱۷-۲۱۹).

۳. طب

در اسلام از آنچه که به بدن ضرر می‌رساند نهی شده و اهمیت این امر تا آنجاست که نظافت جزئی از ایمان شمرده شده است. دستورهایی چون وضوء، غسل، تحریم مسکرات نیز مبنایی حکمی برای حفظ سلامت روحی و جسمی انسان دارد. در متون اسلامی و روایات نیز

دستورالعمل‌های فراوانی را در این باره می‌بینیم در قرن سوم مجموع این مطالب تحت عناوینی چون طب النبی (۲) طب الائمه (طب الصادق و طب الرضا) گردآوری شد که تا امروز نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و البته بیشتر مولفین آن‌ها عالمان دین بودند تا پزشک، به دنبال آن علما و دانشمندان اسلامی بر این امر اهتمام نموده و در برخی زمینه‌های پزشکی پیشگام و سرآمد زمان خود و آینده شدند.

آغاز علم رسمی طب در ممالک اسلامی با ترجمه آثار یونانی، هندی و ایرانی بود که در اختیار حکما و دانشمندان مسلمان قرار گرفت، این بار نیز این دانشمندان اسلامی بودند که با بهره‌گیری از تعالیم الهی و اسلامی، به شناخت پیچیدگی‌ها و اسرار جسم آدمی پرداخته و ابتکارات تازه‌ای را در طبابت و جراحی به وجود آوردند؛ به گونه‌ای که کتابها و دایره المعارف‌های تالیفی آنها سال‌های سال در دانشگاه‌های اروپایی مورد تدریس و تدقیق قرار گرفت و برخی همچنان جایگاه علمی ارزنده خود را حفظ نموده است.

محمد زکریای رازی مشهورترین طبیب در جهان اسلام است که از دویست و بیست و یک تا سی و یک سالگی در طب نگاشته شده است. در عظمت او همین بس که کتابی در آبله و سرخک نوشته که در طی چهار قرن چهار بار به زبان‌های گوناگون ترجمه و چاپ شده است، کتاب معروف او «الحاوی» که حدود بیست جلد است، این کتاب که جزء مهم‌ترین کتب مرجع طبی در جهان بوده، در سال (۱۲۷۹م) به لاتین ترجمه تنها در یک سال پنج بار تجدید چاپ شد. از ابتکارات و خدمات بی‌نظیر رازی می‌توان به بازشناسی و درمان کامل بیماری آبله، کشف الكل به عنوان گندزدا، انجام بادکش در سگته، استعمال آب سرد در تب دائم، به کار بردن مسهل جیوه، استفاده از روده حیوان در بخیه زخم نام برد. وی متأثر از علوم و معارف دینی، سلامت جسم را تابع اخلاق نفسانی می‌دانست و به تاثیر متقابل جسم و جان معتقد بود؛ از این رو کتاب «طب الروحانی» یا «طب النفوس» را نوشت و در طی بیست فصل بیماری‌های تن و روان را برشمرده است (ابن ندیم پشین: ۳۱۷).

دیگر پزشک مسلمان نامی؛ علی بن عباس مجوسی است به عنوان یک صاحب‌نظر در

طب اسلامی، به خاطر دو کتاب ارزشمندش در طب به نام‌های «کامل الصناعه الطیبه» و «الملکی» که پیش از آثار ابن سینا متن تدریس علم طب بوده است، با ظهور ابن سینا، نه تنها علم طب بلکه بیشتر علوم تحت الشعاع دانش وی قرار گرفتند. اگر چه ابن سینا را بیشتر به عنوان یک فیلسوف یا فیزیک دان می‌شناسند؛ اما طب او علم پزشکی را در اروپا متحول نمود. از ۱۸۰ اثر تالیفی ابن سینا که در علوم مختلف به رشته تحریر درآمده است؛ پانزده کتاب در طب است و معروفترین و مهم‌ترین آنها «قانون» می‌باشد که به عنوان فرهنگ جامع طب و داروسازی از شاهکارهای پزشکی به شمار می‌رود، این کتاب تنها در اواخر قرن پانزدهم، پانزده بار به زبان لاتین چاپ شد و در قرن شانزدهم نیز بیست مرتبه تجدید چاپ گردید و با این همه پیشرفتهای علمی در جهان دانش هنوز هم مورد استفاده دانشمندان این رشته قرار می‌گیرد (ابن ندیم پیشین: ۱۸۵-۱۸۸).

مسلمانان در این رشته ضمن ابداعات و کشفیات بسیار، خدمات ارزنده‌ای به جهان بشری ارائه نمودند که از جمله آنها می‌توان به تالیف نخستین رساله در چشم پزشکی و شناساندن امراض و بیماری‌های چشم، ارتقاء فن جراحی و ساخت و ابداع ادوات و آلات آن، تاسیس بیمارستان‌های ثابت و سیار مجهز و منظم، مطالعات گسترده و دقیق گیاهشناسی به عنوان مقدمه داروسازی، تشریح روش‌های داروسازی، تاسیس اولین داروخانه‌ها اشاره نمود.

۴. نجوم

علاوه بر ترغیب قرآن به نگرش و تفکر در آسمان و صور و وقایع فلکی چون خسوف و کسوف؛ نیازهای عبادی همچون یافتن قبله، تعیین اوقات نماز، تعیین وقت طلوع و غروب، تعیین اول و آخر ماه، رویت هلال و... نیز مسلمانان را وامی‌داشت تا به فراگیری این علم بپردازند. در اینجا نیز همچون دیگر علوم امیر المومنین^{۱۱} پیشتاز این علم بود و در خصوص مسائل مختلف نجومی که از ایشان پرسیده شده پاسخ‌هایی داده‌اند که صحت و دقت آنها امروز مشخص می‌شود. از دانشمندان برجسته اسلامی در علم نجوم «ابوعبدالله محمد بن ابراهیم

حیب‌فزاری» از علمای بزرگ شیعی است که کتاب «سند هند کبیر» که در مورد عالم افلاک بود را به خواست منصور عباسی به فارسی ترجمه کرد. وی اولین کسی است که اسطرلاب را ساخت و از آن در امور نجومی استفاده نمود و سالنامه‌هایی نیز مطابق سال‌های عربی تهیه نمود. وی در علم ریاضیات نیز تبحر داشته و صاحب بدایعی در این علم است (نصر، علم و تمدن در اسلام، ۱۳۵۹: ۱۵۸-۹). ورود علم نجوم به جهان اسلام از راه ترجمه متون یونانی و هندی بود که حاوی فرضیه‌ها و حدسیاتی درباره زمین و اجرام کیهانی بود. مسلمانان در ابتدا به جای تفکر و تأمل در آیات قرآنی که به آسمان‌ها و زمین پرداخته، به مطالب این کتب توجه نمودند؛ که البته بعدها با غیر واقعی یافتن آنها، با جهان بینی خاص اسلامی خود و الهام از آیات قرآنی به تغییر مبانی این علم پرداختند. دانشمندان مسلمانان با شرح کتاب‌های ترجمه شده و اصلاح محتویات آنها، تالیف کتب جدید و ابداعات تازه؛ تحولی شگرف در علم نجوم به وجود آوردند. منجمین اسلامی با فراهم آوردن سنت‌های بابلی، یونانی، ایرانی و هندی و یافتن ترکیبات بدیع از آنها، محاسبات و روش‌های تازه‌ای به وجود آوردند که بی‌سابقه بود و مبانی جدیدی در تاسیس این علم به وجود آورد.

در زمینه ستاره‌شناسی دانشمندان اسلامی با ترجمه کتاب مجسطی بطليموس که مهم‌ترین کتاب نجومی بود، کار خود را آغاز نمودند، کار عمده آنها رصد نمودن و تهیه جدول ستارگان (زیچ) بود که تعداد زیچ‌هایی که منجمین اسلامی به دست آوردند بیش از تعداد آنها در کل مکتب‌های نجومی جهان است، از دست‌آوردهای دیگر آنان، تعیین طول سال شمسی، محاسبه سال کیبسه، ساخت ساعت‌های آفتابی، ساخت انواع ابزار و آلات رصد، زمان سنج‌های مکانیکی، ساخت اسطرلاب می‌باشد. میزان دقت اسطرلاب‌های ساخت دانشمندان مسلمان تنها با رایانه‌های پیشرفته امروزی قابل مقایسه است و پژوهش‌های آنان در زمینه زمان سنجی، مبانی علمی شد که در غرب پیشینه‌ای نداشته است، یکی از ابداعاتی‌ترین روش‌های دانشمندان در محاسبه مختصات کره زمین بروز کرده است؛ به طوری که ستاره‌شناسان زمام مامون عباسی به خواست او به محاسبه محیط کره زمین پرداخته‌اند که بسیار

ساده و در عین حال قابل توجه است (آلفونسو نلینو، تاریخ نجوم اسلامی، ۱۳۴۳: به نقل ولایتی پیشین، ۱۳۴۳: ۱، ۵۰-۳۰). ابطال نظریه بطلموس (مرکزیت زمین) توسط اکثر دانشمندان اسلامی - خواجه نصیر الدین طوسی، ابن سینا، ابوریحان بیرونی، ابن هیثم، ابن شاطر و دیگران، از قدرت نمایی‌های علمی منجمین اسلامی است که پس از سالیان طولانی نظریه مطرح کیهان‌شناسی را رد و نظریه مرکزیت خورشید را مطرح نموده و محاسبات صحیحی و دقیق نجومی را بر پایه آن بنا نهادند. اگر چه این نظریه بعدها به نام کپلر و کوپرنیک مطرح شد اما خود غربیان نیز اذعان دارند که دانشمندان مسلمان پیش از آنان به این مهم دست یافته بودند و از نظریات نجومی مسلمانان با عنوان «نظریات پیش کوپرنیکی» یاد می‌کنند (ولایتی پیشین: ۱۸۳، ۱-۱۷۸).

۵. علوم طبیعی و زمین‌شناسی

باتوجه به توصیه قرآن به سیر در زمین و تفکر در عالم خلقت و مخلوقات الهی، این دانش مطرح و مقدس شمرده شد. به عنوان نخستین مدارج طی شده در این علم می‌توان گفت که علوم و معارف رسیده از اهل بیت^{۱۱} مشحون از مطالبی درباره عظمت و شگفتی‌های خلقت و بیان اسرار آفرینش است که به طور بارز در کلام امیرالمومنین^{۱۲} بیان رموز و حقایقی را می‌بینیم که هنوز دانش بشری به برخی از آنها نرسیده است. توحید مفضل که آموخته‌های امام صادق^{۱۳} به شاگردش مفضل است نیز نمونه‌ای دیگر از این مجموعه هاست. اصمعی از ادیبان قرن سوم نیز کتبی چند در خلقت انسان، حیوانات و گیاهان و همچنین درباره ابو دیگر مظاهر طبیعت تالیف نموده است. پس از وی کندی (یعقوب بن اسحاق) نیز رسائل بشماره دربار انواع سنگ‌ها، ارتفاع کوه‌ها، فلزات، آب، جزر و مد، رعد و برق، آب و هوا، گیاهان دارویی، سموم، حشرات تالیف نموده که نشان از تبحر و تسلط وی به ابعاد مختلف علوم طبیعی است. جاحظ نیز دانشمند دیگری است که با کتاب «الحيوان» خود جامع‌ترین منبع در غرائب جانوران را به جای گذاشته است، رسائل اخوان الصفا که پنجاه و چند رساله در علوم مختلف است؛ هفده رساله

آن مربوط به زمین‌شناسی، معدن‌شناسی، پیاه‌شناسی، جانورشناسی و... است. ابن سینا و ابوریحان بیرونی نیز از دیگر چهره‌های مطرح در این حوزه هستند.

۶. جغرافیا

پیش از اسلام در نزد اعراب «علم الانواء» با «بادشناسی» مرسوم بوده است و به جهت تجارت و بازرگانی در خشکی و دریا از آن استفاده می‌نمودند، حرکت گله‌ها و رمه‌ها و احیاناً جنگ‌ها از دیگر احتیاجات اعراب به علم جغرافیا و نجوم بوده است، با ظهور اسلام نیز این امر مستدام ماند و جایگاه و اهمیت سفر حج، توصیه به گردش در زمین، توصیه به هجرت برای علم‌آموزی و لو به چین و... نیز بر آن افزون شد.

با گسترش اسلام و وسعت قلمرو ممالک اسلامی نیاز به علم جغرافیا یا همان «علم البلدان» بیشتر احساس شد؛ چرا که آگاهی از راهها، سرزمین‌ها و اراضی، چگونگی تقسیم ولایات و... از مسائل روز شده بود. (ولایتی پیشین: ۱، ۲۹۶). نخستین چهره شناخته شده مسلمان در علم جغرافیا؛ هشام بن محمد کلبی در قرن سوم است که بارزترین تلاش او تحقیقاتی درباره جزیره العرب می‌باشد، پس از وی می‌توان به خوارزمی، منجم و ریاضی‌دان مشهور، اشاره کرد که با تالیف کتاب ارزشمند «صورة الارض» از پایه‌گذاران علم جغرافیا در میان مسلمانان به شمار می‌رود.

آثار کندی در علوم طبیعی و «البلدان» یعقوبی حاوی اطلاعات مفید و راهگشایی در غنای این علم است، نگارش کتاب‌های راه‌شناسی یکی دیگر از ابعاد این علم بود که معروف‌ترین آن «المسالک و الممالک» ابن حوقل است که برای نگارش آن؛ تمام کشورهای پهناور اسلامی را در طول ۲۸ سال طی نموده است؛ سفرنامه نویسی را نیز می‌توان شعبه‌ای دیگر از علم جغرافیا دانست که سلیمان تاجر با گزارش سفر دریایی خود به چین نخستین اثر در این زمینه را ارائه نموده است و این سفر پنج قرن پیش از سفر مارکوپولو به چین صورت گرفته است. به همین ترتیب دیگر دانشمندان و حتی مورخان چون مسعودی در ضمن تالیف

آثار خود، به مطالب فراوانی در حوزه جغرافیا و علم بلدان اشاره نموده‌اند که مورد استفاده قرون متاخر و جوامع دیگر قرار گرفته است. از نشانه‌های نقش بارز مسلمانان در این رشته علمی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- الف. انجام مطالعات و تحقیقات منجر به کشف قاره آمریکا به اعتراف خود کریستف کلمب کشف مناطق چین، روسیه، ژاپن، هند، کره.
- ب. نظریه پردازی درباره کرویت زمین و اثبات آن.
- ج. ترسیم صور اقالیم، دریاها و اقیانوس‌ها.
- د. رواج واژگان اسلامی در بازرگانی و کشتیرانی.
- ه. به کار بردن قطب نما در کشتی.

۷. روان‌شناسی

فیلسوفان اسلامی در بحث تجرد نفس و تعلقات آن، در چگونگی نفسانیات و ارتباط آنها با یکدیگر نیز مطالبی را ذکر نموده‌اند که این مجموعه در واقع همان علم النفس یا روان‌شناسی امروزی است که از فلسفه جدا گردیده و خود دارای شعب مختلفی چون روان‌شناسی اخلاقی، روان‌شناسی کودک، روان‌شناسی بالینی، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی صنعتی، شده است. از این رو هم در فلسفه نظری و هم در فلسفه عملی، وقتی که از نفس و حالات آن و صحت و سقم آن صحبت می‌شود؛ ریزه کاری‌های مسائل روان‌شناسی و روانکاوی به خوبی دیده می‌شود؛ همچنین معالجات روانی بیماران شیوه‌ای است که علمای اسلامی «همچون زکریای رازی» با علم به نفس انسانی و شئون آن، به کرات از آن استفاده نموده‌اند.

بسیاری پیدایش این علم را توسط غربیان و در قرون اخیر می‌دانند در حالی که با سیری در منابع اسلامی در می‌یابیم که در باب معرفت نفس و لزوم توجه به مقتضیات آن روایت بسیاری وارد شده است و یا در مورد عالم رویا (عالم خواب) که روان‌شناسان و اندیشمندان غربی نظراتی را مطرح نموده‌اند؛ عده‌ای گمان کرده‌اند که غیر مسلمانان اولین‌ها در این زمینه

هستند در حالی که در روایتی از رسول خدا (ﷺ) درباره خواب، ایشان به ذکر حقایقی پرداخته‌اند که دیگران از فهم آن نیز عاجز بوده‌اند. در باب فطرت انسانی و کشش‌ها و تمایلات آن نیز مسلماً بهترین منبع، روایات رسیده است که علاوه بر تقدم بر علم روان‌شناسی امروز، از اعتبار بیشتری نیز برخوردار است. به طور مثال برخی گمان می‌کنند که فروید اولین کسی است که از راه افعال غیر ارادی به ضمیر باطنی پی برده است؛ در حالی که از کلمات امیرالمومنین (علیه السلام) است که «هیچ کس در دلش رازی را پنهان نمی‌دارد؛ مگر آنکه در سخنان بی‌اندیشه و رنگ رخسارش آشکار می‌شود». (نهج البلاغه: حکمت ۲۵). و حضرت این چنین این واقعیت علمی را بیان نموده‌اند. همچنین قول فروید در این که: خواب، امیال سرکوب شده و آرزوهای ناب‌آورده آدمی است که در باطن آدمی جای گرفته و در وقت خواب بروز می‌کند؛ دقیق‌تر و مفصل‌تر در میراث روایی ما به چشم می‌خورد؛ در روایتی، پیامبر اکرم (ﷺ) خواب را بر سه قسم می‌داند که قسم سوم، همان افکار عادی یا اسرار نهانی است که گاهی در خواب به صورت اصلی و یا به صورت مناسب دیگر خود نمایی می‌کند و بدین طریق می‌توان به ضمیر مخفی اشخاص پی برد و ریشه برخی ناخوشی‌ها و امراض را نیز از همین راه تشخیص داد (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق: ۱۴، ۴۴۱).

به همین سیاق می‌توان در علوم دیگری چون جامعه‌شناسی، اقتصاد، فیزیک و مکانیک، هنر و معماری رگه‌هایی از علوم اسلامی را یافت که با دنبال کردن آن به سرمنشا ولوی و نبوی آن خواهیم رسید و خواهیم دید که چگونه پایه و مبنای بیشتر علوم گذشته و علوم جدید توسط دانشمندان اسلامی بنا نهاده شده است و این همه پیشرفت‌های علمی دنیای مدرن مرهون آن همه تلاش‌ها و استعداد‌های اندیشمندان مسلمان است.

نتیجه

شیعیان به خصوص اهل بیت (علیهم‌السلام) سابقه درخشانی در زمینه‌ی تمدن اسلامی دارد، پیامبر اکرم (ﷺ) در پرتو آموزه‌های حیات بخش اسلام، انقلاب اجتماعی کاملی در زندگی پیروانش

ایجاد و تمدن شکوهمند اسلامی را در یثرب (مدینه النبی) بنیان نهاد. پیامبر از آغاز رسالت، به شرایط و مؤلفه‌های تمدن ساز مانند: نظام ارزشی، دین‌مداری، حکومت، حاکمیت، قانون‌گرایی، امت‌سازی، عدالت‌پروری، دانش‌گستری، شهرنشینی، و نظایر آن اهتمام ویژه داشتند. تمدن نوپای اسلامی در اثر تلاش جدی مسلمانان، طی چندین سده، به بار نشست و آثار و برکات آن جهانی شد.

هرچند تمدن اسلامی پس از اعتلا و پویایی بی‌نظیر، دچار انحطاط گردید، اما احساس بازگشت به اسلام و احیای تمدن اسلامی، همواره در جهان اسلام وجود داشت. نهضت‌های اسلامی صد ساله اخیر تجلی و تفسیر این احساس ارزشمند است. با توجه به ماهیت تکاملی اسلام، قانون‌مندی تمدن اسلامی و روند پر شتاب بیداری اسلامی از یک سو و ناتوانی تمدن شرق و غرب، اندیشه احیای تمدن اسلامی بار دیگر جوانه زده و انتظار امت اسلامی نسبت به آن عینیت خواهد یافت.

کتابنامه

قرآن

نهج البلاغه

آلفونسو نلینو، کرلو، تاریخ نجوم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۴۳.

ابن اثیر، عز الدین ابو الحسن علی بن ابی الکرّم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر،

۱۳۸۵ ق.

ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، مرکز

انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۲.

ابن قیم الجوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، کویت، مؤسسه الرساله، چاپ ۲۷،

۱۴۱۴ ق.

ابن ندیم، الفهرست، بی تا، بی جا.

ابن هشام، محمد، پیشین، ابن اثیر، پیشین، طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، اعلام الوری،

ج ۱، قم، آل البیت، ۱۴۱۷ ق.

ابوداود، سلیمان، سنن ابی داود، بیروت، مرکز دار الفکر، بی تا.

اسعد عمرانی، مالک بن نبی اندیشمند مصلح، ترجمه صادق آینه‌وند، تهران، دفتر نشر

فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹، علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، وزارت

امور خارجه، ۱۳۸۰.

البعلبکی، منیر، موسوعه المورد، بی تا، بی جا.

بهرام اخوان کاظمی، راهبردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی،

فصلنامه مطالعات راهبردی، بهار ۱۳۷۸.

جبل عاملی، محسن امین، اعیان الشیعه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۹۸۳.

جر، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، تهران، امیر کبیر، بی تا.

حجازی، فخر الدین، نقش پیامبران در تمدن انسان، تهران، بعثت، چاپ دوم، ۱۳۵۲.

- الحضارة الغربية والحضارة الاسلاميه»، التوحيد (مجله)، مؤسسة التوحيد للنشر الثقافي. حميد الله، محمد، نامه‌ها و پيمان‌هاى سياسى حضرت محمد و اسناد در صدر اسلام، ترجمه سيد محمد حسيني، چاپ دوم، تهران: سروش، ۱۳۷۷.
- حبيم، سليمان، فرهنگ معاصر انگليسى، فارسى، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۶۹.
- خوارزمى، مفاتيح العلوم، باوردان، قم؛ بى تا.
- دشتى، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، آل طه، ۱۳۷۹ (نامه ۵۳، فرمان امام على عليه السلام به مالك اشتر).
- زمخشري، ابوالقاسم، محمد، اساس البلاغه، بيروت، دار صادر، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م، محمد كاظم مكى، تمدن اسلامى در عصر عباسيان، ترجمه محمد سپهرى، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- سبحانى، جعفر، ترجمه جواد محدثى سيماى عقائد شيعه، ناشر، نشر مشعر، بى تا.
- _____، راهنماى حقيقت، نشر مشعر، بى تا.
- _____، فروغ ابديت، قم، دفتر تبليغات اسلامى، ۱۳۶۳ ش.
- صدر، سيد حسن، تاسيس الشيعه لعلوم الاسلام، منشورات اعلمى، تهران، بى تا.
- طباطبايى، محمد حسين، فلسفه الهى در بينش على عليه السلام، بيروت، ۱۴۱۲ق.
- _____، قرآن در اسلام، دارالكتاب الاسلاميه، تهران، ۱۳۵۰.
- عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، مقدمة ابن خلدون، به كوشش على عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر، بى تا.
- عجم، رفيق، موسوعة مصطلحات ابن خلدون و الشريف على محمد الجرجاني، مكتبة لبنان ناشرون، بى تا.
- عقيقى، عبدالرحيم، فقهاى نامدار شيعه، كتابخانه مرعشى نجفى، قم، ۱۴۰۵ق.
- مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ: ۱۴۰۳ق.
- معين، محمد، فرهنگ فارسى، تهران، امير كبير، چ ۱۰، ۱۳۷۵.
- مكارم شيرازى، ناصر و همكاران، پيام قرآن، قم، مدرسه الامام على بن ابيطالب، ۱۳۷۴.
- _____، تفسير نمونه، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ۱۳۷۴.
- نبوى، مرتضى و ملايرى، محمد حسين، جوامع تمدن ساز، پويابى و ميرابى تمدن‌ها،

نقش تمدن‌ساز تشیع در گستره تاریخ □ ۳۷

- مجلس و پژوهش، سال دوم، ش ۷، فروردین ۱۳۷۳.
- نجفی، موسی، مراتب ظهور فلسفه سیایت در تمدن اسلامی، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه سیاسی معاصر، ۱۳۸۲.
- نصر، سیدحسین، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، خوارزمی، تهرآن، ۱۳۵۹.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، آل البیت، ۱۴۰۹ ق.
- هنری لوکاس، تاریخ تمدن، ترجمه عبد الحسین آذرنگ، تهران، کیهان، ۱۳۶۶.
- ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهش، ۱۳۸۲ ش.
- ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و همکاران، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.

